



لیلا طبسی، نویسنده، شاعر و عضو هیئت مدیره انجمن تخصصی کودک و رسانه:

آثار حوزه ادبیات کودکان باید یک پله بالاتر از کتاب‌های درسی باشد

محبوبه قربانی
 «زبان کودک فقط ساده‌سازی کلام نیست، بلکه مهم‌ترین زمینه برای شکل‌گیری صحیح اصول و قواعد زبان در ذهن اوست.» این جمله کلیدی،

نشان دهنده نگرش عمیق دکتر لیلا طبسی، نویسنده و شاعر کودک به رسالت ادبیات کودک است. او با تأکید بر اینکه ادبیات مخصوص کودک باید «یک پله بالاتر» از کتاب‌های درسی باشد و استفاده از زبان محاوره در شعرهای کودکان را چالش‌ساز بزرگ می‌داند، بر نقش حیاتی قصه و شعر در گسترش دایره واژگان، تقویت خلاقیت و حفظ اصالت زبان فارسی تأکید می‌کند. در این گفت‌وگو، او به بررسی راهکارهای صیانت از زبان فارسی در برابر سادگی زدگی و تأثیر پذیری از فرهنگ بیگانه می‌پردازد و معتقد است نویسنده کودک باید با آسیب‌شناسی دقیق، مسیری را هموار کند که کودکان نه تنها زبانتراسخن بگویند، بلکه با ریشه‌های فرهنگی و زبانی خود نیز پیوند عمیق‌تری برقرار کنند.

به عنوان خلق‌کننده دنیای قصه و شعر برای کودکان، چگونه میان خلاقیت در زبان و مسئولیت صیانت از زبان فارسی تعادل برقرار می‌کنید؟ آیا زبان کودکانه را فرصتی برای نوآوری یا ضرورتی برای پایداری به اصول زبانی می‌دانید؟

کودک بازی با اواها را دوست دارد. او با تکرار کلمات بازی می‌کند. گاه برای بیان موضوعی از ساختن ترکیب‌های تازه و کلماتی جدید بهره می‌برد. گاه برای بیان تخیلاتش از کلماتی استفاده می‌کند که کاملاً ویژه خود اوست. وظیفه والدین، مربی و نویسنده کودک این است که با مدیریت زبان کودک او را به سمت درست هدایت کند و از خلاقیت ذاتی کودک و به دنبال آن خلاقیت در کلام، گفتار و نوشتارش در مسیری بهره‌بردارد. همان‌گونه که زبان‌شناسان بر درست و کامل بیان کردن کلمات برای کودکان تأکید دارند، این موضوع برای نویسنده همین گونه است. چون کودک با الگو گرفتن از بزرگ‌تراها ساختارهای درست زبانی را می‌آموزد و تکرار می‌کند. یک شعر و قصه خوب به زبان آموزی کودک در مسیر درست کمک می‌کند. همچنان که گاه بیان جملاتی که نگارشی درست ندارند مشکلاتی برای استفاده در ستاز زبان فارسی ایجاد می‌کند. زبان کودک فقط ساده‌سازی کلام نیست، بلکه مهم‌ترین زمینه برای شکل‌گیری صحیح اصول و قواعد زبان در ذهن کودک است. تا چه حد معتقدید که قصه‌ها و شعرهای

کودکانه می‌توانند در شکل‌دهی به ذائقه زبانی، علاقه به زیبایی‌های کلام و درک صحیح از زبان فارسی در کودکان مؤثر باشند؟

قصه و شعر کودک راهی است برای گسترش واژگان در کلام کودک. کودکی که شعرها و قصه‌های بیشتری شنیده معمولاً زودتر به سخن می‌آید و زبانتراسخن می‌گردد. انتخاب جملات مناسب برای ارتباط با کودک چه مقاله‌ها باشد و چه شعر و داستان، اصول و قواعد زبان فارسی را در او تقویت می‌کند. وقتی در شعر و داستان، کلام از حالت ساده و خبری خود خارج می‌شود و تشبیه و استعاره و تکرار در آن پدیدار می‌شود، کودک یاد می‌گیرد کلام را می‌توان زیباتر به کار برد. او ریتم آهنگ را درک می‌کند و اتفاقاً کودکان تکرار ریتم آهنگ را بسیار دوست دارند. همچنین تخیل در داستان و شعر تصور ذهنی و خلاقیت در کودک را افزایش می‌دهد و کم‌کم کودک یاد می‌گیرد که خودش قصه بگوید، بنویسد و از کلام برای تصویر و تخیل و زیبا شدن نوشته‌ها بهره‌بردارد. این خود درک زبانشناسی در زبان فارسی برای کودک است.

بزرگ‌ترین چالش‌هایی که در نگارش برای مخاطب کودک با آنها روبه‌رو هستید، به‌ویژه



در زمینه زبان و انتقال مفاهیم فرهنگی، چه مواردی هستند؟ (مانند تأثیر پذیری از فرهنگ بیگانه، ساده‌سازی بیش از حد یا زبان‌های غیر فارسی)

کودکان دارای ذهنی خلاق هستند. به نظر من ذهن کودک مانند یک پازل اجزا را در کنار هم قرار می‌دهد. اگر اجزای داده شده به او مبهم و نامرست باشند ذهنش آشفته خواهد شد و درک درستی از اصل موضوع نخواهد داشت. حال فرض کنید اجزای داده شده به کودک در زبان فارسی کلمات سخت یا مبهم باشند چه خواهد شد؟ عکس این موضوع، اگر اجزای کلماتی بسیار ساده و پیش‌یافته باشند ذهن کودک خسته خواهد شد و انگیزه‌اش برای ادامه کاشی خواهد یافت. اگر اجزایی که به او می‌دهیم، کلمات محاوره و شکسته باشد کودک در آموختن زبان فارسی که قرار است درس و کتابش هم بدان وسیله باشد با مشکل مواجه خواهد شد. بزرگ‌ترین مشکل اکنون در ادبیاتی که برای کودک تولید می‌شود، استفاده از زبان محاوره در شعر برای کودکان است. اگرچه در سنین خیلی پایین زبان محاوره کاربرد دارد اما به تدریج افزایش سن کودک از خردسالی بهتر است از زبان معیار بهره‌بردارد. نکته دیگر اینکه، گاهی زبان در

شعر کودک بسیار ساده است؛ صدا، کلمات و عبارات ساده بیان می‌شوند و زمینه برای تفکر در کودکان ایجاد نمی‌شود. ادبیات مخصوص کودک باید با رعایت قوانین و اصول زبان فارسی یک پله بالاتر از ادبیات کتاب‌های درسی او باشد تا باعث گسترش واژگان کلامی بیشتر، خلاقیت تفکر و گسترش احساس زیبایی‌شناسی زبانی در کودک شود.

چگونه می‌توانیم با ابداع واژگان جدید، بازی‌های زبانی، یا ساختارهای نو در شعر و داستان کودک، به غنای زبان فارسی بیفزاییم، بدون آنکه از اصالت آن فاصله بگیریم؟

همان‌گونه که می‌دانیم مغز کودک در حال رشد است و این رشد با موقعیت‌های جدید مدیریت شده، بازی‌های خلاقانه، تخیل و کلام نو بیشتر هم خواهد شد. کودک همان‌گونه که با بازی‌های خلاق و موقعیت‌های جذاب از جاد می‌آید با شعر و ادبیات خلاقانه لذت می‌برد. از طرفی زبانی که در حال رشد و پویایی نباشد راکد مانده است. یک شاعر و نویسنده به پرداختن به کلمات جدید، ذهن کودک را به چالش می‌کشد، چالشی که لذت کودک را برمی‌انگیزد و دایره واژگان کودک را گسترش می‌دهد. همچنین قدرت تفکر در او را تقویت



برای استفاده از آثار بومی می‌توانیم آنها را باز نویسی کنیم و با حفظ پیام داستان به زبان ساده‌ای برای کودکان بنویسیم. کودک از این طریق هم با فرهنگ و ارزش‌های بومی آشنا می‌شود و هم تشویق به مطالعه اصل داستان و تحقیق در مورد داستان‌ها و افسانه‌های بومی می‌شود. این خود دایره اطلاع و واژگان کودک را افزایش می‌دهد و ریشه‌دار بودن و عمیق بودن زبان فارسی را در می‌یابد

می‌کند. برای مثال «باد آمد هو هو کتان»، «هو هو کتان تکرار «هو» است. کودک تکرار موسیقی را بسیار دوست دارند. یا استفاده از عبارت «گل خندان» جان بخشی به گل و خندان بودنش است که قدرت تخیل در کودک را افزایش می‌دهد و استفاده از عبارات واژگان نو و خلاقانه که قابل فهم برای کودک باشد، زبان فارسی را پویا می‌کند.

نقش قصه‌ها و افسانه‌های بومی در آموزش زبان فارسی به کودکان و آشنایی آنها با ریشه‌های فرهنگی و زبانی چیست؟ چگونه از این منابع در آثار خود بهره می‌برید؟

قصه‌ها و افسانه‌های بومی از طرفی ریشه در فرهنگ، ارزش‌ها و تجربه‌های ایرانی بومی دارند و کودکان را به صورت غیرمستقیم با این مفاهیم آشنا می‌کنند. از طرفی کودکان با داستان‌ها و روایت‌های قدیم ارتباط می‌گیرند و به زبان فارسی امروزه پیوند می‌دهند. همچنین دایره واژگانی کودکان نیز از این طریق گسترش خواهد یافت. به حقیقت استفاده از آثار بومی می‌توانیم آنها را باز نویسی کنیم و با بازی پیام داستان به زبان ساده‌ای برای کودکان بنویسیم. کودک از این طریق هم با فرهنگ و ارزش‌های بومی آشنا می‌شود و به مطالعه اصل داستان و تحقیق در مورد داستان‌ها و افسانه‌های بومی تشویق می‌شود.

نگاهی به نقش خانواده و مدرسه در پاسداشت زبان فارسی

دانش آموزانی که فارسی را سخت می‌خوانند



با این حال برخی کارشناسان معتقدند فضای مجازی می‌تواند فرصت هم باشد، به شرط آنکه محتوای فارسی جذاب و با کیفیت تولید شود.

دانش آموزی که در شبکه‌های اجتماعی فعالیت دارد می‌گوید: «اگر محتوای ادبی جذاب تر تولید شود، نوجوان هم استقبال می‌کند. الان بیشتر محتواها خشک و رسمی‌اند.»

در واقع زبان فارسی برای حضور مؤثر در فضای مجازی نیازمند تولید محتوای خلاقانه، جذاب و متناسب با سلیقه نسل جدید است.

■ آیا مدارس به تنهایی کافی‌اند؟
 بسیاری از معلمان معتقدند مسئولیت حفظ زبان فارسی فقط بر دوش مدرسه نیست. مدرسه زمانی موفق خواهد بود که خانواده، رسانه و جامعه نیز در این مسیر همراه باشند.

یکی از دبیران می‌گوید: «وقتی دانش آموز در خانه مطالعه ندارد، در فضای مجازی مدام با زبان شکسته مواجه است و الگوی مناسبی هم در رسانه‌ها نمی‌بیند، مدرسه به تنهایی نمی‌تواند معجزه کند.»

او تأکید می‌کند که آموزش ادبیات باید از حالت صرفاً امتحان‌محور خارج شود: «باید کاری کنیم دانش‌آموز از زبان فارسی لذت ببرد، نه اینکه فقط برای نمره درس بخواند.»

برخی معلمان پیشنهاد می‌کنند که جلسات کتابخوانی در مدارس افزایش یابد، شاهنامه‌خوانی و قصه‌گویی جدی تر گرفته شود، دانش‌آموزان به نوشتن خلاق تشویق شوند و از همه مهم‌تر خانواده‌ها در برنامه‌های فرهنگی مدارس مشارکت داشته باشند.

زبان فارسی فقط یک درس نیست
 شاید مهم‌ترین مسئله این باشد که زبان فارسی را صرفاً یک واحد درسی بنینیم. زبان فارسی بخشی از حافظه جمعی ماست؛ پلی

او معتقد است آموزش زبان فارسی نباید فقط محدود به کتاب درسی باشد: «دانش‌آموز باید با شعر، داستان، شاهنامه، قصه و متن خوب زندگی کند تا زبانش قوی شود. صرف حفظ کردن معنی شعرها کافی نیست.»

یکی دیگر از معلمان نیز به تغییر ذائقه نسل جدید اشاره می‌کند: «بچه‌ها به متن‌های کوتاه و سریع عادت کرده‌اند. حوصله خواندن متن بلند ندارند. فضای مجازی تمرکز کم را کم کرده و روی زبان هم تأثیر گذاشته است.» در میان دانش‌آموزان نیز برخی معتقدند درس ادبیات برایشان جذاب نیست. دانش‌آموزی می‌گوید: «بعضی متن‌های کتاب سخت و قدیمی‌اند. اگر روش آموزش متفاوت‌تر باشد شاید بیشتر علاقه‌مند شویم.»

دانش‌آموز دیگری اما نظر متفاوتی دارد: «وقتی شعر یا داستان را درست توضیح می‌دهند خیلی جذاب می‌شود، ولی ما کمتر کتاب غیردرسی می‌خوانیم.»

■ نقش خانواده: نخستین مدرسه زبان
 کارشناسان آموزشی معتقدند مهم‌ترین پایه یادگیری زبان مادری در خانه شکل می‌گیرد. کودکی که در خانه کتاب، قصه، شعر خوانی و گفت‌وگوی درست را تجربه می‌کند، معمولاً ارتباط عمیق‌تری با زبان فارسی برقرار خواهد کرد.

یکی از معلمان ابتدایی می‌گوید: «بعضی دانش‌آموزان حتی جمله‌بندی درست را از خانه یاد نگرفته‌اند. وقتی خانواده‌ها کمتر کتاب بخوانند یا مدام با تلفن همراه استفاده کنند، طبیعی است که کودک هم به مطالعه علاقه‌مند نشود.»

او ادامه می‌دهد: «بچه‌هایی که والدین برایشان قصه می‌خوانند یا درباره کتاب با آن‌ها حرف می‌زنند، معمولاً در نوشتن و درک مطلب قوی‌ترند.»

در یکی از کتابفروشی‌ها، مادری را می‌بینیم که برای فرزندش کتاب داستان خریده است. او می‌گوید: «معنی می‌کنم هر شب برای دخترم کتاب بخوانم. فکر می‌کنم زبان فارسی فقط درس مدرسه بخواند؛ بخشی از هویت بچه‌هاست.»

این نگاه اما هنوز در همه خانواده‌ها فراگیر نشده است. بسیاری از والدین به دلیل مشغله، فشار اقتصادی یا تغییر سبک زندگی، زمان کمتری برای گفت‌وگو و کتابخوانی با فرزندان خود دارند.

■ فضای مجازی: فرصت یا تهدید؟
 نقش فضای مجازی در تغییر زبان نسل جدید را نمی‌توان نادیده گرفت. استفاده گسترده از فینگلیش، واژه‌های بیگانه، جملات کوتاه و نگارش غیراستاندارد، شکل ارتباط نوشتاری نوجوانان را تغییر داده است.

یکی از دبیران ادبیات می‌گوید: «دانش‌آموزان حتی در برگه امتحانی هم گاهی کلمات را شبیه نوشتار فضای مجازی می‌نویسند. این یعنی زبان غیررسمی آرام‌آرام وارد نوشتار رسمی شده است.»

این فقط روایت یک خانواده نیست. بسیاری از والدین، آگاهانه یا ناآگاهانه، آموزش زبان مادری را امری بدیهی و خودکار می‌دانند؛ گویی کودک بدون نیاز به آموزش عمیق، خودبه‌خود فارسی را درست خواهد آموخت. در حالی که کارشناسان زبان و آموزش معتقدند زبان مادری نیز نیازمند تمرین، مطالعه، گفت‌وگو و ارتباط مستمر با ادبیات و متن است.

پدربزرگ فرزندان را به کلاس زبان می‌برد، در پاسخ به این سؤال که آخرین کتاب فارسی که برای فرزندش خریده چه بوده، لحظاتی فکر می‌کند و می‌گوید: «کتاب کمک‌درسی زیاد می‌خریم، ولی کتاب داستان کمتر. بچه‌ها الان بیشتر با موبایل سرگرم می‌ش.»

همین تغییر سبک زندگی، یکی از مهم‌ترین عوامل فاصله گرفتن نسل جدید از زبان فارسی فاخر است.

زمانی قصه‌گویی مادران و کتاب خواندن در خانه بخشی از تربیت کودکان بود، اما امروز بسیاری از کودکان ساعات طولانی را در فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی می‌گذرانند؛ فضایی که زبان در آن اغلب کوتاه، شکسته، مخفف و آمیخته با واژه‌های بیگانه است.

■ دانش‌آموزانی که در خواندن فارسی مشکل دارند

برای بررسی وضعیت زبان فارسی در مدارس، به یکی از دبیرستان‌های شهر می‌رویم. در کلاس ادبیات فارسی، معلم از چند دانش‌آموز می‌خواهد بخشی از یک متن ادبی را بخوانند.

بعضی از دانش‌آموزان در خواندن واژه‌ها مکث می‌کنند، برخی معنی بسیاری از کلمات را نمی‌دانند و تعدادی نیز علاقه چندانی به متن نشان نمی‌دهند.

یکی از دبیران ادبیات فارسی با سابقه بیش از ۲۰ سال تدریس می‌گوید: «دایره واژگان دانش‌آموزان نسبت به گذشته خیلی محدودتر شده. بچه‌ها کمتر کتاب می‌خوانند و بیشتر وقتشان در فضای مجازی می‌گذرد. حتی در نوشتن یک متن ساده هم مشکل دارند.»

برای بررسی وضعیت زبان فارسی در مدارس، به یکی از دبیرستان‌های شهر می‌رویم. در کلاس ادبیات فارسی، معلم از چند دانش‌آموز می‌خواهد بخشی از یک متن ادبی را بخوانند.

بعضی از دانش‌آموزان در خواندن واژه‌ها مکث می‌کنند، برخی معنی بسیاری از کلمات را نمی‌دانند و تعدادی نیز علاقه چندانی به متن نشان نمی‌دهند

نیره ساری

صدای کودکانه‌ای در سالن یکی از آموزشگاه‌های زبان خارجی شنیده می‌شود. پس‌پس‌های حدوداً هفت‌ساله با هیجان چندجمله‌انگلیسی را بی‌وقفه تکرار می‌کنند و مادرش با لبخند از او فیلم می‌گیرد.

چند دقیقه بعد اما وقتی از همان کودک خواسته می‌شود چند خط ساده فارسی را از روی کتاب بخواند، کلمات را با مکث و اشتباه کنار هم می‌چیند. مادر بسا خنده‌های کوتاه می‌گوید: «فارسی رو خودش یاد می‌گیرد، مهم انگلیسیه...» شاید این جمله را این روزها بارها شنیده باشیم؛ جمله‌ای ساده اما تأمل‌برانگیز که بخشی از واقعیت امروز جامعه ما را روایت می‌کند. واقعیتی که در آن بسیاری از خانواده‌ها نگران آینده فرزندان خود هستند، برای یادگیری زبان خارجی هزینه می‌کنند، کلاس ثبت‌نام می‌کنند و برنامه‌ریزی دارند، اما در همین میان زبان مادری، زبان هویت و فرهنگ، آرام‌آرام به حاشیه رانده می‌شود.

زبان فارسی فقط ابزار گفت‌وگو نیست؛ حافظه تاریخی و فرهنگی ما است. فکر می‌کنیم که زبان ما به فراموشی سپرده شده و هویت ایرانی را در خود حفظ کرده و از نسلی به نسل دیگر رسانده است. زبانی که فردوسی برای زنده نگه داشتنش سال‌ها برنج و سعدی و حافظ و مولانا آن را به بلندای تاریخ رساندند. اما امروز این پرسش جدی مطرح است که ما تا چه اندازه توانسته‌ایم این میراث ارزشمند را به نسل جدید منتقل کنیم؟ خانواده‌ها چه نقشی در حفظ زبان فارسی دارند؟ مدارس چقدر در آموزش درست خواندن و درست نوشتن موفق بوده‌اند؟ و چرا بسیاری از دانش‌آموزان ما در نگارش و خوانش فارسی ضعف دارند؟

برای یافتن پاسخ این پرسش‌ها، بسای صحبت خانواده‌ها، معلمان و دانش‌آموزان فارسی‌نویس.

■ وقتی فارسی در خانه کمرنگ می‌شود
 در یکی از پارک‌های شهر، مادری جوان کنار دختر هشت‌ساله‌اش نشسته است. دخترک مدام واژه‌های انگلیسی را در میان جملات فارسی به کار می‌برد؛ از «گیم» و «استوری» گرفته تا «اوتی» و «بای». وقتی از مادر می‌پرسیم آیا نگران تضعیف زبان فارسی فرزندش نیست، پاسخ می‌دهد: «لان شرایط جامعه فرق کرده. بچه‌ها اگر انگلیسی بلد نباشه عقب می‌مونه. ما هم سعی می‌کنیم از کودکی یاد بگیره.»

اما وقتی سوال می‌کنیم که آیا فرزندش کتاب داستان فارسی می‌خواند یا نه، مکث کوتاهی می‌کند و می‌گوید: «راستش خیلی کم. بیشتر وقتش با تبلت و کارتون می‌گذره.»